

افزایش اهل صدق زندگی جامعه را معنادار می‌کند

پژوهشگر تاریخ اسلام با اشاره به توصیه‌های مهم حضرت امیر(ع) در باب توجه به اهل ورع و صداقت بیان کرد: جامعه زمانی معنای زندگی را درک می‌کند و زندگی معنای زندگی را درک می‌کند...



پژوهشگر تاریخ اسلام با اشاره به توصیه‌های مهم حضرت امیر(ع) در باب توجه به اهل ورع و صداقت بیان کرد: جامعه زمانی معنای زندگی را درک می‌کند و زندگی معنادار را می‌فهمد که اهل ورع و صدق بر او فراوانی داشته باشند، نه اینکه در بین هزاران نفر یک نفر صادق پیدا شود.

به گزارش ایکن؛ حشمت‌الله قنبری، پژوهشگر تاریخ اسلام، در برنامه «هدی» که شب گذشته، ۱۶ آبان ماه، از شبکه قرآن و معارف سیما پخش شد به شرح فقراتی از نهج البلاغه و اوامر حکومتی امام علی(ع) به مالک اشتر پرداخت که در ادامه متن آن را می‌خوانید:

حضرت امیر(ع) به مالک اشتر امر فرمود که خود را به اهل ورع و صدق الصاق کن. ترجمه امروزی هدایت حضرت امیر(ع) این است که ای مالک، وظیفه تو این است و باید این مشی را پیش بگیری و موظف هستی که زمانی که بر کرسی ریاست و صدارت مصر مستقر شدی، مانند تصویری که بر یک سند حک می‌شود، به همین کیفیت باید بر موجودیت آنهایی که خداترس هستند و از نزدیک شدن به گناه دچار خوف می‌شوند الصاق شوی. این بیان کلی این است که جامعه زمانی معنای زندگی را درک می‌کند و زندگی معنادار را می‌فهمد که اهل ورع و صدق بر او فراوانی داشته باشند، نه اینکه در بین هزاران نفر یک نفر صادق پیدا شود. سند ناکارآمدی نظام تربیتی جامعه چیست؟

اینکه مدیر بگوید از کجا بگردیم و پیدا کنیم، اولین سند بر ناکارآمد بودن نظام تربیتی یک جامعه است. اینها از شما تربیت گرفته اند که از این راه فاصله پیدا کرده اند. چرا باید به این جمعیت الصاق شد؟ چون شما به صورت طبیعی هرچقدر به اهل ورع پیوستگی داشته باشید، میدان برای سخن چین‌ها به وجود نمی‌آید و هدایت درست و فکر درست و ورزیده را از اهل صدق دریافت می‌کنید. یک نکته عجیب تری که در این فراز از کلمات نورانی حضرت امیر(ع) وجود دارد این است که امام(ع) یک تبصره تمام‌کننده ای را به این عبارت دارند و می‌فرمایند که ای مالک، به اهل صدق و ورع بیاموز که از تو تعریف نکنند و تو را به دلیل کارهایی که انجام ندادی ستایش نکنند.

معمولاً اگر کسی میل به تعریف داشته باشد، تعریف‌کننده اش را هم پیدا می‌کند، حتی اگر در بین اهل صدق باشد. چون وقتی وارد عمل و اجرا می‌شود، آرام آرام مشکلات را نیز می‌فهمد و بعد، قدرت امضا و اثر و توانمندی مدیریتی را نیز تشخیص می‌دهد و می‌فهمد دوست دارند از او تعریف کنند و می‌فهمد که با صدق و راستی نمی‌شود زندگی کرد. بعد هم فرمود نگذار از تو تعریف کنند، اگر این حالت برای تو پیدا شد، تمجید فراوان اسباب پیدایی عجب است. عهدنامه مالک اشتر عالی‌ترین منشور مدیریتی

آنچه امام علی(ع) در این عبارات بیان فرموده، عالی‌ترین منشور مدیریتی بر روی کره زمین است. اگر این عبارت را به بزرگ‌ترین اندیشمندان عالم بدهید، نمی‌توانند واژه‌هایی نزدیک به این عبارات بسازند و بیان امام(ع) لطیف و قابل ادراک است. اتاق کار، دربار، برداشتن کیف، در ماشین را باز کردن و بالا زدن پرده کجاوه، اولاد آدم را به اشتباه می‌اندازد و مقام مسئول می‌فهمد که طرف مقابل برای چه هدفی این کار را می‌کند و اگر صدق و راستی داشته باشد کل موضوع حل می‌شود، چون گاهی اوقات صاحب حکم و فرمان و کسی که منصب و مدیریت به او احاله شده است، در قدم اول باور نمی‌کند به این مقام رسیده است و در اعماق ذهن خودش نیز یک تفاهم باطنی با خود می‌کند که بنا به دلایلی به این مقام رسیده ایم و صداقت درونی اش نیز می‌گوید ما در این حد و اندازه نبودیم، اما این کار انجام شد و در آن زمان با خودش کنار می‌آید که به شکرانه این نعمت باید خدمت کرد و باید برای اصلاح امور و مشکلات مردم صادقانه خدمت کرد؛ یعنی هم اتفاق خوبی افتاده و هم باور خوبی نسبت به خودش پیدا کرده است.

همین که این آدم مستقر شد، متملقان از راه می‌رسند و شروع به تملق می‌کنند. اینها موجب می‌شود خود رئیس هم متحیر شود. اندک اندک این آدم این مسائل را باور می‌کند و در اینصورت است که برای خودش حریم قائل می‌شود. تا جایی که زبان تملق دیگران او را راضی نمی‌کند و تملق متملقین هم برای او کم به نظر می‌آید که بسیار رفتار بد و خطرناکی است. امام علی(ع) در این فراز مرادش را اینطور بیان می‌کند که ای مالک، به متملقین اجازه نده و به اهل

صدق نیز توجه داشته باشد و انتظار نداشته باش که احساس کند اگر از تو تعریف شود، این را می پسندی. چون اگر بفهمد که از توصیف و تمجید استقبال می کنی، با تو هماهنگ خواهد شد. او صداقت داشت، اما فهمید صداقتش خریدار ندارد و دید صراحت هم قاتل روحش می شود. تعمیق صداقت وظیفه مهم مسئول نظام اسلامی

امام علی(ع) می گوید ای مالک، به اطرافیان صادق و اهل ورع خود فرصت چالپوسی نده و به آنها بفهمان که نباید از تو تعریف کنند و اگر میل به این مسئله پیدا کردی، در این صورت، تمجید و ستایش بی جا، اصلی ترین عامل پیدایی استکبار و عجب است. امر امام متقیان(ع)، الصادق به صادقان است و در بخش دوم نیز صیانت از صدق و صلح و صالح را مورد تأکید قرار می دهد؛ یعنی اگرچه بهره مندی از اهل تقوی ارزش متعالی است، اما حفظ و تعمیق صدق و توسعه درست کاری بین مدیران و کارگزاران باید یک فرایند مستمر باشد و این باید به لحاظ حدوث و استمرار به این صورت باشد. از طرفی مسئول اصلی تعمیق صداقت نیز خود مدیر است که با نظرات عالمانه می تواند این کار را بکند. مدیر می تواند کارگزاران خود را بر صراط مستقیم حفظ کند و یا آنها را به راه باطل بکشانند. اگر این جریان تربیتی به وجود نیاید، ممکن نیست آثار و نشانه های دولت علوی را پیاده سازی کنید.

البته همان قدری که تملق و تمجید غلط، یک عمل ضدانسانی است، نادیده گرفتن خدمات نیز بی انصافی است. چون این کار، یعنی توجه به خدمات، شکر نعمت است و مقام مافوق نیز نیاز به ترغیب دارد و باید بداند که سیستم، حسنات او را درک می کند و این مسئله موجب شجاعت او می شود، اما یک وقت است که امکانات در اختیار مدیر است، اما همه آنها را صرف نظریه سازی می کند.